

July 10, 1993

والله اعلم بقرینم ، خدیوانی از اینکه رستم در نیت با San Diego چه خوشحال شدم ، چون
 می دانستم می توانم زود برایت نامه بنویسم این بود که تلفن کردم بگویم بیایا که چندان به دیدن خودی تو
 آرزو مندم ، که فرقی که هیچ نخواهد دل از خداوند به چینی گشتی دیر از مهر داد من نیز هم بگویم .
 از اینکه برایت در جواب می دهم معذرت بنویسم خدیوانی چه کرد تا رستم ، کور خانه و بدون خانه
 نباشم و دارم با خانه تریا ، ذوق لیس ، که مثل یک زنده که چو لیس هم بقیه از چو لیس
 همس مالت ، آنقدر که می دهم ادرا دلت دارم که حاضریم را به کار که دارد ، هر روزه پیش ما بایک

و اما والله حاج ، ادلاً بلیط شماره را با San Diego می دانم بلیط ، یعنی airline اصلی
 که از لندن میاید ، با کز تو بورت حکمت است فقط مالوس ایلیس بیاید ولی از آنجا ، شماره
 حقیقی شما را نگارده به سندی اگر ، دفعه آفر که من از لندن آمدم از لوس ایلیس ، شماره کمال

حقیقی آمدم به سان دیگو و البته آنوقت ما شما را از زرد گاه ساندی گوئی درم به منزل
 نایباً به نظریه که تلفن است گفتم از مهر داد شما کار می مجبور است زود برگردد تو حتماً به نیت
 بلای و مجبور میی با او برگردی . من است قبول می کنم که بگویند اینجا بانی ، اگر شود برگشتی را
 با زینبار مسعود ، آنوقت می توانیم به وقت شما هم جا زود کنیم در گذر . مهر داد
 هم هر چه بخواهد بماند اینها الحاقی حاضر خواهد بود و منزل خودش می نیت ، من است
 سعادت منعم و از صمیم قلب این را بگویم چون میدان که بچه های کورا حقی دولت دارم
 دخترم را با آنها زودت می دانم .
 (نمی دانم درست است یا نه)

والله چون که ما دیگر چه رستم می کنیم بگذار دقت را غنیمت بگیریم و ما مفا که ما برداریم
 و معلوم نیت چه در آن در حال ما ضرر کار می کند !!) از این دو روز که نیت از دیدن
 بگویم لذت ببریم - که می دانم که آنجا چه خواهد شد - ما با دا راجع به کار می کردی ، اینجا
 خانه و زندگی و خارج به مال من است ، بجلا ده که کم تر از دولت دارد فقط خودر می کند
 که چه در نیت با تو خوشم ، ایند نیت دیگر بپرسی را در می آورم .

دیروز کن در بر دارم و بیاید که مهر داد منم . سلام و رحمت را به مهر داد بگویم چون آن
 زود در نیت بگویم ، که بنام تو صلوات

حقیقی
 ایلیس
 ایلیس
 ایلیس

